

واکاوی و ارزیابی ترجمه مفردات قرآن

(مطالعه موردی: ماده «ظن»)

کاووس روحی برندق^۱، علی حاجی خانی^۲، محسن فریادرس^۳

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

دریافت: ۹۵/۹/۹

پذیرش: ۹۶/۸/۲۰

چکیده

یکی از مسائل نو در حوزه قرآن پژوهی، «ترجمه قرآن» است. این نهضت، با وجود نقاط قوت فراوان، دارای نقاط ضعفی نیز هست؛ یکی از این نقاط ضعف، در زمینه معادل‌یابی واژگان قرآنی است که از میان آن‌ها می‌توان به ماده «ظن» به عنوان یکی از لغات پرکاربرد و چالش‌زا در قرآن اشاره نمود. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، با هدف دستیابی یا ابداع دیدگاه صحیح در معناشناسی ماده «ظن» و ارائه روش در مفهوم‌شناسی تاریخی واژگان، به گردآوری، تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های اهل لغت و مفسران پرداخته و به این نتیجه دست یافته که معنای این واژه باید با واکاوی در کتب لغت، تفسیر و بافت آیات استخراج شود. در نهایت، با ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر و مشهور قرآن کریم (آیتی، رضایی، صفوی، فولادوند، مجتبوی، مشکینی، معزی، مصباح‌زاده و مکارم‌شیرازی)، موفقیت و عدم موفقیت آن‌ها را در معادل‌یابی این واژه ارزیابی نموده است.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه‌های معاصر، ماده «ظن»، یکسان‌سازی ترجمه

۱- مقدمه

قرآن کریم در قرن اخیر کانون توجه مترجمان بوده است. بررسی ترجمه‌های قرآن به زبان فارسی، بیانگر آن است که در انتقال معنا در این ترجمه‌ها، با وجود نقاط مثبت، نقاط ضعف فراوانی وجود دارد (روحی‌برندقی، ۱۳۹۴: ۱۲۰). یکی از نقاط ضعف ترجمه‌ها، در مفهوم‌شناسی واژه «ظن» مشاهده می‌شود.

ماده «ظن» با مشتقات گوناگون خود ۶۹ بار در ۳۲ سوره و ۵۷ آیه به‌کار رفته (جامع‌التفاسیر) که لغویان و مفسران با توجه به لغت عرب و سیاق هر آیه، آن را به‌صورت «کذب»، «تهمت»، «شک»، «گمان» و «یقین» معنا کرده‌اند؛ در حالی که ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن (آیتی، رضایی، صفوی، فولادوند، مجتبوی، مشکینی، مصباح‌زاده، معزّی و مکارم) به این معانی اکتفا نکرده و جمعاً ۱۴ معادل «وهم و خیال»، «حدس زدن»، «پندار»، «تصور کردن»، «گمان و پندار»، «ظن»، «گمان کردن»، «امیدوار شدن»، «اندیشیدن»، «دانستن»، «دریافتن»، «باور کردن»، «مطمئن شدن» و «یقین کردن» را در ترجمه خود بازتاب داده‌اند.

از این‌رو مطالعه حاضر در صدد است با استفاده از کتب لغت (فرهنگ عرب، اصل معنایی، وجوه و نظائر، فروق اللغه و واژگان اضداد)، مباحث لغوی تفاسیر و بافت آیات، ترجمه‌های آیتی، رضایی، صفوی، فولادوند، مشکینی، مصباح‌زاده، معزّی و مکارم را از جهت افاده کامل معنا، مورد واکاوی قرار دهد و میزان اهتمام آن‌ها را در ارائه صحیح‌ترین معنا و روش ترجمه ارزیابی کند. لذا در این مقاله به پرسش‌های زیر پاسخ داده می‌شود:

۱- مفهوم‌شناسی این واژه در کتب لغت و تفسیر چیست؟

۲- میزان دخالت بافت متن در معنای این واژه در آیات مختلف، چقدر و چگونه است؟

۳- ترجمه‌های فارسی معاصر در معادل‌یابی این واژه چگونه عمل کرده‌اند؟ آیا

رویکرد یکسان‌سازی در مفهوم‌شناسی واژه «ظن» در تمامی استعمالات قرآنی آن قابل‌پذیرش است؟ در صورت مقبول بودن، این رویکرد به چه میزان در ترجمه‌های فارسی معاصر رعایت شده است؟

۲- پیشینه تحقیق

در این زمینه دو مقاله «معناشناسی واژه «ظن» در قرآن کریم» از سیدمحمود طیب‌حسینی در مجله کتاب قیم، سال ۱۳۹۰، شماره اول، صفحات ۶۴-۴۱ و مقاله «بررسی مفهوم ظن و گمان در قرآن کریم» از محمدحسین توانایی و فرخنده بهاء‌الدینی در مجله علوم اسلامی، سال ۱۳۸۸، شماره ۱۵، صفحات ۱۹۴-۱۷۵ وجود دارد.

نویسنده مقاله نخست با تلاشی ستودنی، معنای اصلی واژه «ظن» را با تحلیل و بررسی در فرهنگ عرب (لغت و کاربرد در زبان عرب)، «احتمال وجود چیزی در عین عدم اطمینان به آن» ذکر کرده، سپس در ادامه از طریق توجه به سیاق و با تکیه بر نظر ذکر شده و عنصر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی حاکم بر فضا و سیاق آیات، به آن تعمیق بخشیده و سه معنای «احتمال» در اکثر آیات، «یقین و علم» در آیات (بقره/ ۴۶ و ۲۳۰ و ۲۴۹؛ حاقه/ ۲۰؛ جن/ ۱۲؛ کهف/ ۵۳؛ قیامت/ ۲۵ و ۲۸؛ فصلت/ ۴۸؛ توبه/ ۱۱۸؛ ص/ ۲۴؛ یونس/ ۲۲ و ۲۴) و «شک و حسابان» در آیات (کهف/ ۳۵ و ۳۶؛ نور/ ۱۲؛ حشر/ ۲؛ مطففین/ ۴) را بیان داشته و در پایان نتیجه می‌گیرد برگشت این معانی به دو معنای «یقین (اطمینان)» و «شک (شامل هرگونه احتمال، حدس و گمان غیر اطمینان‌آور)» است.

نویسنده مقاله دوم نیز در فرجام مقاله خود با استفاده از سیاق آیه و همانند طیب-حسینی به این نتیجه رسیده که معنای حقیقی این واژه در برخی از آیات، «علم و یقین» و در برخی دیگر «وهم و پندار بیهوده» است.

قابل ذکر است که در مقاله اخیر، بسیار محدود به معناشناسی واژه «ظن» اهتمام شده و بیش‌تر به متعلقات این واژه مانند «اقسام ظن»، آثار، خواستگاه و... سوءظن» پرداخته شده است. لیکن مقاله حاضر دارای سه تفاوت عمده با دو مقاله ذکر شده است:

الف) گستردگی منابع و انعکاس آراء مغفول، نزد برخی محققان مشهور.

ب) ارائه الگو در مفردات پژوهی تاریخی برای قرآن.

ج) ارائه معنایی متمایز.

از این رو پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از این روش، پاره‌ای از ترجمه‌های مشهور را از جهت افاده کامل معنا، مورد ارزیابی قرار داده و میزان پایداری ترجمه‌های یاد شده را در ارائه صحیح‌ترین معنا و روش ترجمه نشان دهد.

۳- مفهوم ماده «ظن» در لغت

نقطه مشترک برخی لغویان و مفسران- با وجود اختلاف تحلیل- ذکر دو معنای «شک» و «یقین» برای ماده «ظن» است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۴، ج ۸: ۱۵۲؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۶۲؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۷۲؛ فیومی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۳۸۶-۳۸۷؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۲۷۹؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۲؛ سجستانی، ۱۴۱۱: ۱۳۵؛ ابن‌انباری، ۱۴۰۷: ۱۶-۱۴؛ حلبی‌اللغوی، ۱۹۹۶: ۳۰۰-۲۹۶؛ بطرس، ۱۴۲۴: ۳۹-۳۶؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶). از این رو ابن‌فارس، «شک» و «یقین» را از اصل‌های معنایی این واژه برشمرده و معتقد است معنای «یقین»- «فَقُلْتُ لَهُمْ ظُنُّوا بِالْفَيِّ مُدَجِّجٌ / سَرَاتُهُمْ فِي الْفَارِسِيِّ الْمُسَرَّدِ: به آن‌ها گفتم که یقین بدانید دو هزار فرد کاملاً مسلح به سمت شما می‌آیند، درحالی‌که سران و اشراف آن‌ها زره محکم اهل فارس را پوشیده‌اند.» [که شاعر در مقام ارباب دشمن است و اقتضای چنین فضاهایی نیز ابراز یقینی (و نه مشککانه) است]. این معنا در کنار معنای «شک»- به‌عنوان مفهوم متداول در نزد عرب که با عبارت «ظننت الشيء» بیان می‌شود، مفهومی بیگانه برای این واژه نیست (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳: ۴۶۲).

راغب نیز در این راستا و با تحلیلی دیگر، «ظن» را حالتی منشعب از نوعی اماره یا

نشانه ذکر می‌کند که شمول معنای آن از «توهم» تا «علم» است؛ در این صورت هرگاه «ظن» همراه نشانه «أن» باشد، معنای «یقین»، از آن مستفاد خواهد شد و هرگاه همراه نشانه ضعیف «أن» بیاید، معنای «شک» استنتاج می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۹)؛ مانند آیه ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ (بقره/ ۴۶) و آیه ﴿وَوَظُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ (توبه/ ۱۱۸) که به ترتیب به معنای «یقین» و «شک» هستند. با وجود این، تسری قاعده ذکر شده در تمام آیات صحیح نیست؛ زیرا در برخی موارد، نظیر آیه ﴿وَوَظُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ (توبه/ ۱۱۸) - که «ظن» همراه «أن» واقع شده - این واژه به معنای «یقین» است (فیروزآبادی، ۱۴۲۱، ج ۳: ۵۶۶)؛ صاحب لسان العرب نیز ضمن اشاره به این که این واژه از واژگان اضداد است، مراد از معنای «یقین» را یقین منشعب از تفکر و تدبیر - و نه حاصل از راه مشاهده و دیدن - می‌داند؛ زیرا وی معتقد است یقین عیانی، مناسب واژه «علم» است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ۲۷۲).

با این همه، برخی دیگر، واژه «ظن» را «اعتقاد سُستی (ضعیف غیر جازم) می‌دانند که از یقین مستند به قطعیت - چه حق و چه باطل - خالی باشد» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۳۶۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۸۰)؛ یعنی مراد از آن در لغت، «التَّوَدُّدُ الرَّاجِحُ بَيْنَ طَرَفَيْ الْاِغْتِقَادِ» است (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۱)؛ زیرا با تعدیل دو مفهوم «شک» و «یقین» در معنای «ترجیح یکی از دو جانب بر دیگری با نشانه صحیح» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۸۹) یا «رسیدن یکی از دو جسم به دیگری، به گونه‌ای که آن را لمس کند» خواهد بود (آلوسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۲۵۱).

براساس آنچه ذکر شد می‌توان گفت که لغویان سه معنای «شک»، «شک راجح» و «یقین» را برای «ظن» ذکر کرده‌اند. آنچه مهم است توجه به این نکته است که ظاهراً «ظن» در کتب لغت و فرهنگ عرب، در ابتدا به معنای «شک» مستعمل بوده، اما از آن‌جا که لغویان در برخی عبارات - مانند آیات ۴۶ و ۲۳۰ بقره، ۲۰ حاقه و... در قرآن - با چالش ظاهر عبارت و معنای تحت‌اللفظی مواجه شده‌اند، آن را از جمله واژگان اضداد ذکر

کرده‌اند که با دو معنای «شک» و «یقین» به کار می‌رود. این در حالی است که فیروزآبادی، زبیدی و مصطفوی این رویکرد را صحیح نمی‌دانند؛ زیرا در حقیقت مراد از «ظن»، «شک راجح» است نه مطلق «شک». توضیح آن که مقصود از «شک» مستعمل در معنای «ظن»، «تردید یکسان بین دو امر» نیست؛ زیرا «شک» در زبان عربی به «حالتی متساوی بین دو مقوله» یا «تردید میان دو امر متناقض» گفته می‌شود که انسان نمی‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد (عسکری، ۱۴۱۲: ۸۳؛ عسکری، ۱۴۰۰: ۹۱؛ جرجانی، بی‌تا: ۱۱۰)؛ درحالی‌که «ظن»، علاوه بر داشتن معنای «شک»، افزونی‌ای نیز نسبت به آن دارد؛ همان‌طور که عسکری در فروق اللغة و ابن جوزی در نزهة الأعين به آن اذعان داشته و در تمایز آن‌ها با یکدیگر، «ظن» را تردیدی می‌دانند که یکی از آن دو امر بر دیگری ترجیح دارد (عسکری، ۱۴۰۰: ۹۱؛ ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۴۲۴).

در زبان فارسی هم، معنای «شک» برای این واژه صحیح نیست؛ زیرا «شک» در زبان فارسی معادل کلمه «شک» در زبان عربی است: ﴿فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ﴾ (یونس/ ۹۴). پس معادل حقیقی این واژه در فارسی هم، «شک راجح» است. بر این اساس، به نظر می‌رسد این واژه حتی در کتب لغت نیز با برداشت ناصحیحی مواجه شده است.

در هر حال، از آن‌جا که معادل «شک راجح» از فصاحت کافی برای درج به عنوان معادل برای کاربردهای قرآنی برخوردار نیست، ضروری است معادلی مناسب «شک راجح» در زبان فارسی و با توجه به لغت‌نامه‌های این زبان، در نظر گرفته شود. در لغت‌نامه‌های فارسی و معاجم عربی-فارسی، با تسامح، سه معنای «پندار»، «تهمت» و «گمان» برای واژه «ظن» ذکر گردیده است (دهخدا، بی‌تا: ۸۷-۸۶؛ عمید، ۱۳۸۹: ۷۴۹؛ اتابکی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۷۹۳). معنای «پندار» و «تهمت» به دلیل عدم تناسب با مفهوم اثبات شده در زمان حال، قابل اعتنا نیست؛ زیرا «پندار» در زمان حاضر ظاهراً به مرتبه فیما بین «انکار» و «شک» اطلاق می‌شود. بر این اساس به نظر می‌رسد معنای «گمان» به دلیل

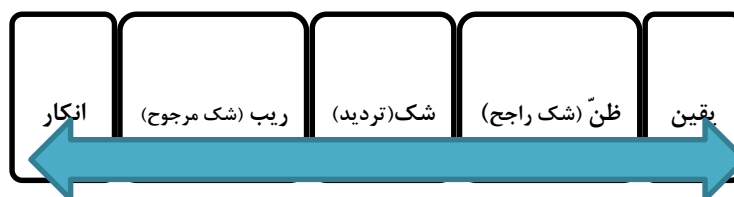
سلاست و افاده کامل معنای مورد اشاره، مناسب‌ترین معنا برای واژه «ظن» در زبان فارسی باشد؛ همان‌طور که همه مترجمان قرآن - که در این مقاله مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند - نیز این معنا را در ترجمه‌های خود بازتاب داده‌اند.

لازم به ذکر است در برخی لغت‌نامه‌ها نیز برای معنای «گمان»، معانی «وهم»، «فرض»، «تصور»، «حدس»، «ظن» و «اندیشه» آورده شده است (دهخدا، بی‌تا: ۱۲۲۱-۱۲۱۹؛ عمید، ۱۳۸۹: ۸۷۷) که براساس آنچه گذشت، تنها معنای «گمان»، برای «ظن» مناسب است.

با وجود این، ممکن است گفته شود این معنا از کتب اصول فقه گرفته شده و لذا معنای صحیحی برای واژه «ظن» نیست. توضیح آن‌که، اصلی‌ترین معنای واژه ظن در فرهنگ عربی، «احتمال وجود چیزی در عین عدم اطمینان به آن (شک و احتمال)» بوده که با مرور زمان در دو معنای «شک» و «یقین» به کار رفته و سپس با تحول معنایی در نزد دانشمندان اصول فقه و منطق با مفهوم «گمان و شک راجح» تعدیل شده است؛ می‌توان گفت که این معنا، مبتنی بر اصول فقه بوده و بعداً در تفاسیر راه‌یافته است، لذا مفهوم صحیحی برای واژه «ظن» نیست (ن.ک: فخررازی، ۱۴۱۲: ۸۴-۸۳؛ طیب‌حسینی، ۱۳۹۰: ۴۲، ۴۵-۴۶، ۴۷، ۵۰، ۶۲). این در حالی است که اولاً برخی لغویان با عبارت «شک راجح» به معنای «گمان» اذعان کرده‌اند (فیروزآبادی، بی‌تا، ج ۴: ۲۴۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۸: ۳۶۳؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۸۰)؛ ثانیاً معنای اصلی «ظن» در فرهنگ عرب، «احتمال وجود چیزی در عین عدم اطمینان به آن (شک و احتمال)» است که در حقیقت این معنا به‌نوعی تأیید کننده مفهوم «شک راجح» است؛ زیرا «احتمال وجود چیزی در عین عدم اطمینان به آن (شک و احتمال)» در حقیقت همان «گمان» است؛ ثالثاً طبق قاعده موجود در اصول فقه، «البینه علی المدعی: دلیل بر عهده مدعی است» (عاملی، بی‌تا، ج ۱: ۴۱۷) - ارائه دلیل بر عهده شخصی است که برخلاف اصل معنای لغت کلامی را بیان می‌دارد (انباری، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۱). براین اساس معنای واژه «ظن»، «گمان» است؛ آنچه این معنا را تأیید می‌کند

این است که «ظن» در برخی زبان‌های سامی مانند «آرامی، سریانی و مندایی» به صورت «ظن» و با معنای «suspect» یا «گمان بردن» یا «فرض کردن» ذکر شده است (مشکور، ۱۳۵۷، ج ۲: ۵۳۹).

با توجه به این که «شک»، در مقابل «یقین» بوده، «ظن» نیز در برابر «ریب» است؛ زیرا «ریب» به معنای شک مرجوح است (امانی، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۵۹)، لذا این واژه از اضداد نیست؛ زیرا در اضداد، یک لفظ واحد بر دو معنی متضاد دلالت می‌کند. مانند لفظ «الجون» که بر دو معنای «سیاه و سفید» اطلاق می‌شود (انباری، ۱۴۰۷: ۱)؛ در حالی که جدای از تحلیل معنای «ظن» در لغت، چنین تضادی مشاهده نمی‌شود. براین اساس حال شخص در برابر یک قضیه، پنج صورت زیر است:



۴- واکاوی معنای کاربردهای قرآنی واژه «ظن»

واژه «ظن»، ۶۹ بار در ۳۲ سوره و ۵۷ آیه به کار رفته است (جامع التفاسیر). مطالعه این کارکردها در قرآن، حاکی از این است که واژه «ظن» با سه معنای «یقین» در آیاتی همچون ﴿وَوَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ﴾ (ص / ۲۴)، «شک» در آیاتی مانند ﴿قُلْتُمْ مَا نَذَرِي مَا السَّاعَةُ إِنَّ نَظْنَ إِلَّا ظَنًّا﴾ (جاثیه / ۳۲) و «تهمت» در آیاتی نظیر ﴿وَوَيْلٌ لِلَّذِينَ الظُّنُونَا﴾ (احزاب / ۷۲) ذکر شده است (ابن سلیمان بلخی، ۱۴۲۷: ۱۴۹؛ عود، ۱۴۰۹: ۳۷۴)؛ در حالی که عسکری با محدود نمودن دایره معنایی آن، وجه «تهمت» را در آیاتی نظیر ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ رد می‌کند؛ زیرا معتقد است تهمت از قبیل شکی است که نتیجه آن «کفر» است (عسکری، ۲۰۰۷: ۳۳۳-۳۳۲). با وجود این، دامغانی علاوه بر ذکر سه وجه «یقین»، «شک» و «تهمت» در همان آیات، معنای «گمان کردن» در آیه ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَخُورَ﴾ (انشقاق / ۱۴)

را نیز به آن‌ها اضافه می‌کند (دامغانی، ۱۹۸۰: ۳۱۲-۳۱۱). ابن جوزی نیز با وجود این که اصل این ماده را «قوی بودن یکی از دو چیز نسبت به نقیضش در نفس» بیان می‌کند، اما از قول مفسران، پنج وجه «یقین»، «شک» و «گمان کردن» در همان آیات، «تهمت» در آیه ﴿وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِظَنٍّ﴾ (تکویر / ۲۴) و «کذب» در آیه ﴿وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ الظَّنُّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئاً﴾ (نجم / ۲۸) را نیز ذکر می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۴۲۵-۴۲۴).

براین اساس، هرچند پنج معنای «یقین»، «شک»، «گمان کردن»، «تهمت» و «کذب» برای کاربردهای قرآنی واژه «ظن» محتمل است؛ اما برخی با اقامه ادله قوی، این کثرت معانی را رد و تنها سه معنای «شک و حسابان»، «احتمال» و «یقین و علم» را صحیح می‌داند (طیب‌حسینی، ۱۳۹۰: ۵۹-۴۹). لذا به نظر می‌رسد این تعدیل معانی برای واژه «ظن» صحیح است؛ زیرا اولاً همان‌طور که گذشت، معنای «شک» قابل‌پذیرش نیست؛ ثانیاً معنای «یقین» نیز مفهومی مجازی است که کاربرد آن را در صورت صحیح بودن، باید در حد متعارف دانست؛ نه هر جا که ظاهر آیه و معنای تحت‌اللفظی با مشکل مواجه شد، مقصود از واژه را مجاز به معنای «یقین» (عبور از معنای اولیه، نه عبور از حقیقت که مستلزم دروغ‌گویی شود) ذکر کرد! ثالثاً در دو معادل «تهمت» و «دروغ» نیز از معنای اصلی واژه به نحو «مجاز» عبور شده است؛ درحالی که مفهوم «گمان»، بدون هیچ مشکلی معنای «ظن» در آن آیات را افاده می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که در معنای «گمان»، مفهوم «تهمت» و «کذب» نیز وجود دارد (طیب‌حسینی، ۱۳۹۰: ۵۰)؛ زیرا برای «سوء ظن» و حتی «حسن ظن» نیز می‌توان درصدی احتمال داد که کلام، «دروغ» یا «تهمت» باشد.

بنابراین می‌توان به‌طور ضمنی اظهار داشت که ظاهراً دو معنای «یقین» و «گمان» برای مفهوم «ظن» مفروض است. مطالعه آیات قرآن نیز حاکی از آن است که در اکثریت آن‌ها معنای حقیقی و اصلی واژه -یعنی «گمان»- بدون هیچ گونه خللی به بافت آیه، مفهوم واژه را به‌طور صحیح منعکس می‌کند. این در حالی است که ظاهراً در تعداد

محدودی- آیات «بقره/ ۴۶ و ۲۳۰ و ۲۴۹؛ حاقه/ ۲۰؛ جن/ ۱۲؛ کهف/ ۵۳؛ قیامت/ ۲۵ و ۲۸؛ فصلت/ ۴۸؛ توبه/ ۱۱۸؛ ص/ ۲۴؛ یونس/ ۲۲ و ۲۴ و مطففین/ ۴» (فیروزآبادی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۵۴۶؛ ن.ک: سلوا، ۱۳۸۲: ۱۱۶)- معنای «یقین» با بافت متنی آیه، سازگارتر است. از این رو بعضی در توجیه کاربرد «ظن» به جای «یقین» در آن آیات، معتقدند که «احتمال خلاف» در تمام کاربردهای «ظن»، به معنای «یقین» سبب شده تا هیچ یک از عبارات هم معنا مانند «علم و یقین» نتوانند این مفهوم را منعکس کنند (طیب حسینی، ۱۳۹۰: ۵۴). برخی دیگر نیز آن را طبق اصل «قوت محتمل (قیامت)، سبب تقویت احتمال می شود» مطرح می کنند؛ یعنی احتمال قیامت چنان قوی است که احتمال ضعیف نیز برای رعایت جانب احتیاط کافی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۷۴ و ۱۷۶). با وجود این، به نظر می رسد معنای واژه «ظن» در این کاربردها نیز «گمان» است؛ زیرا پر واضح است با استعمال معنای «گمان»، وجوه «احتمال خلاف» و «تقویت احتمال» نیز قابل تصور است؛ چراکه بحث در آیاتی نظیر ﴿وَاسْتَعِثُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ (بقره/ ۴۵ و ۴۶) درباره فرد خاشعی است که قطعاً مراتبی را طی کرده و به همین دلیل نیز ستایش شده است؛ لذا وقتی با تصور ملاقات پروردگار مواجه می شود، همان «مظنه» برای رعایت مقررات الهی در جهت تعالی هرچه بیش تر کافی است؛ اما این که وجه کاربرد ظن بجای یقین، وجود «احتمال خلاف» یا «قوت محتمل (قیامت)» ذکر شده، به نظر صحیح نمی رسد؛ زیرا وقتی قائل بین آن دو امر شویم، حقیقت «یقین» را نفی نکرده ایم؛ بلکه مرتبه ای پایین تر از آن را -که همان گمان است- مدنظر داشته ایم. جدای از این مسأله، تذکر این نکته نیز ضروری است که این دسته از آیات با وجود حق و صادق بودن موضوع (ایمان به خدا، معاد و...)، مطلق اعتقادی هستند که مخاطب آیه در آن به درجه یقین مستند به ادراک حقیقی نمی رسد (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۱۸۱-۱۸۰).

با این همه، در ادامه پاره ای از همین آیات -که معنای «گمان» در آن ها با ظاهر آیه و

نسبت با دیگر آیات از ناسازگاری بیش‌تر برخوردار است - مورد واکاوی قرار داده شده است؛ اما پیش از همه، تذکر این نکته ضروری است که آنچه از معنای «یقین» برداشت می‌شود، این است که از یک‌سو فقط یک حالت در آن وجود دارد و از سوی دیگر، آن حالت قطعاً در خارج، محقق شده است؛ لذا در «گمان»، دو احتمال وجود دارد که یکی درست و دیگری نادرست است. براین‌اساس، اگر مخاطب آیات زیر، در حالت مورد اشاره آیه قرار داشته باشد، معنای «ظن» در آن‌ها «یقین» است؛ اما اگر آیه از رخدادی حکایت کند که هنوز محقق نشده - ولو ۹۹٪ احتمال تحقق داشته باشد - معنای «گمان»، موردنظر است؛ زیرا آن‌چه مناسب ۱۰۰٪ است، تحقق قطعی رویداد است که با الفاظی نظیر «یقین» ذکر می‌شود. بنابراین در تحلیل این دست از آیات باید توجه داشت که گاهی در تعلق یک حادثه به «ظن»، «گمان نزدیک به شک» (مثلاً از ۵۱٪ تا ۶۰٪) و گاهی «گمان نزدیک به علم» (مثلاً ۹۰٪ تا ۹۹٪) موردنظر است.

الف ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ * الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره / ۴۵ و ۴۶)

ب ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اعْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرَبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره / ۲۴۹)

ج ﴿فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ أَفْرَعُوا كِتَابِيهِ * إِيَّيْ ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيهِ﴾ (حاقه / ۱۹ و ۲۰)

در تحلیل آیات ذکر شده، برخی مفسران معنای «شک» را برای «ظن»، در آیه ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ رد کرده و طبق ادله زیر، معادل «یقین» را برای آن ترجیح داده‌اند:

۱- معنای «شک» در این آیه با مقام آیه قبل ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا

لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿۱﴾ - که خاشعان (و نه کافران) مورد وصف هستند-ناسازگار است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۰۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱: ۲۵۱).

۲- کاربرد معنای «یقین» برای این واژه در نزد عرب‌زبانان کاربرد غریبی نیست: «فَقُلْتُ لَهُمْ ظُنُّوا بِاللَّفِي مَدَجَّجٍ / سَرَأْتُهُمْ فِي الْفَارَسِيِّ الْمُسَرَّدِ» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۶؛ طوسی، بی تا، ج ۱: ۲۰۵).

۳- با «یقین» است که تلاش قطعی برای رسیدن به مطلوب حاصل می‌شود؛ مانند فرموده پیامبر (ص) مبنی بر «یا بلال! رَوِّحْنَا» که در آن پیامبر (ص) به کارکرد رها نمودن نماز از تعلقات دنیوی یقین داشت؛ برخلاف منافقان و ریاکاران که با عدم امید بدان، دشواری و گران بودن فعل را برای خود فراهم می‌کنند. (ن.ک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۳۴).

۴- اشتراک «علم» و «ظن» در «اعتقاد راجح»؛ یعنی تنها تفاوت آن دو این است که «علم»، اعتقاد راجح بدون نقیض است؛ درحالی‌که در «ظن»، نقیضی وجود دارد. ازاین‌رو وقتی این وجه مشتبه شود، اطلاق یکی بر دیگری صحیح است (ن.ک: فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۹۱).

۵- معنای «یقین»، از آن‌جا معادلی مناسب برای این واژه است که اولاً طبق آیه ﴿و بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (بقره/ ۴)، مؤمنان خاشع، به آخرت یقین دارند؛ ثانیاً آن‌چه انسان را خاشع قطعی می‌سازد، یقین است؛ چراکه صرف گمان به خطری در آینده، تنها خشوع ظنی و ضعیف را در پی دارد که چنین خشوعی نمی‌تواند بار ثقیل نماز را که امانت الهی است بر دوش بکشد؛ ثالثاً در کلام امیرالمؤمنین (ع) مبنی بر «يُوقِنُونَ أَنَّهُمْ يُبْعَثُونَ وَ الظَّنُّ مِنْهُمْ يَقِينٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹: ۱۹۳)، «ظن» به معنای «یقین» به کاررفته است (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۱۷۴).

برخلاف این ادله در توجیه کاربرد «ظن» به جای «یقین»، گروهی دیگر از مفسران معنایی دیگر را برای آن ذکر کرده‌اند:

علامه طباطبایی با بیان سیر تدریجی علم نفس به یک پدیده-که ابتدا نفس به آن «تنبه یا توجه» کرده، سپس در آن «شک» می‌کند و در ادامه، یکی از طرفین بر نقیض

خود «رجحان» می‌یابد و در پایان با از بین رفتن احتمالات مخالف، «ادراک جزمی (علم)» محقق می‌شود، «ظن» را حالتی نفسانی بین «یقین» و «شک» می‌داند؛ زیرا معتقد است وقتی آن مرتبه از علم به امری هولناک تعلق بگیرد، سبب اضطراب، دلهره و خشوع نفس می‌شود که شروع این خشوع، هنگام رجحان یک‌طرف، شک بر دیگری است؛ یعنی هولناکی آن امر سبب می‌شود حتی قبل از علم (رجحان کامل) به آن، دلهره و ترس در نفس ایجاد شود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۲). در حقیقت گاهی اوقات شواهدی مانند «نماز، صبر، خشیت، ایمان به پیامبر خدا، ایمان به نصرت خدا با توجه به رخدادهای گذشته و...» احتمال ملاقات خداوند را در ذهن شکل می‌دهد؛ لذا شخص با دیدن، شنیدن و لمس آن‌ها دیگر نیازی برای به یقین رسیدن نمی‌بیند و همان مظنه را- که از آن به «گمان نزدیک به یقین» تعبیر می‌شود- می‌توان همراه با علم اجمالی کافی دانست.

این نکته در حقیقت حامل بار معنایی دیگری نیز هست، بدین معنا که هرچند ادله عقلی و نقلی بر ضرورت ایمان به معاد و خداوند وجود دارد، اما امکان حصول یقین برای هرکسی وجود ندارد؛ زیرا بر طبق آیات قرآن، اساساً برای رسیدن به یقین، یا باید خداوند را بسیار عبادت کرد: ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾ (حجر/ ۹۹) و یا در قیامت، به آن یقین رسید: ﴿وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنْظَرُ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ﴾ (جاثیه/ ۳۲). از این‌رو وجود «مظنه» برای اعتقاد به معاد و خدا کافی است؛ یعنی گاهی با «مظنه» نیز می‌توان دین را پذیرفت و به آن عمل کرد؛ همچنان که در آیه ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كَمْ مِنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَهُ كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۴۹)، «ظن» را به انصار طالوت نسبت داد تا این نکته را بیان کند که عقل حکم می‌کند با «گمان نزدیک به یقین» به وجود خداوند و آخرت نیز، می‌توان دین را پذیرفت.

براین‌اساس می‌توان برای وجه استعمال «ظن» به‌جای «علم و یقین» دو دلیل ذکر

کرد:

۱- ممکن است ظن به ملاقات خداوند برای حصول و پیدایش خشوع در دل انسان کافی باشد؛ یعنی امکان دیدار خداوند و بازگشت به سوی او سبب می‌شود شخص در ترک مخالفت و رعایت احتیاط، برای حصول علم صبر نکند، لذا با همان مظنه، وادار به احتیاط و ایمان می‌شود.

۲- استعمال این معنا در فرهنگ عرب نیز خود دلیلی بر ظرافت این کاربرد است؛ زیرا عموماً باید مردم را از دشمن یقینی - و نه مشکوک - ترساند؛ اما وقتی شاعر می‌گوید: «فَقُلْتُ لَهُمْ ظُنُّوا بِاللَّيِّ مُدَجِّجٍ / سَرَاتُهُمْ فِي الْفَارَسِيِّ الْمُسَرَّدِ»، در حقیقت مردم خود را به صرف مظنه ترسانده است؛ زیرا ظن به «وجود» دشمن، برای «وادار کردن» مردم به ترک مخالفت کافی است و لذا نیازی به یقین نیست تا برای تحصیل یقین و تفهیم آنان، شخص تهدیدکننده خود را به زحمت بیندازد و یا اعتنایی به شأن آنان کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۱۵۳-۱۵۲). پس با توجه به این که انسان به طور غریزی، ضرر محتمل و مظنون را در قضایای دنیوی و اخروی از خود دفع می‌کند، از «ظن» بجای «یقین» استفاده شده است تا شخص در برابر امور، بی تفاوت نباشد و رعایت دوراندیشی را کند (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۵).

براین اساس از آن جاکه محتوای سه آیه فوق به «ظن» انسان‌های سالم از عقاید باطل در این دنیا نسبت به ملاقات در جهان آخرت اشاره دارد، می‌توان گفت تمامی تحلیل‌های اخیر نیز در هر سه آیه صادق است. لذا مفهوم «گمان» برای «ظن» موجود در آن‌ها نه تنها محل اشکال نیست؛ بلکه با تأمل در آن‌ها نیز می‌توان بدون عدول از معنای لغوی، بیان لطیفی نظیر «احتیاط و دوراندیشی نسبت به امور» را از آیه دریافت نمود؛ چراکه گمان به رستاخیز، انسان را برای رسیدن به اهداف الهی مصمم می‌سازد تا چه رسد علم و یقین به آن؛ همان گونه که گمان به منافع در کارهای مهمی همچون کشاورزی، تجارت، صنعت و سیاست، صاحبان آن‌ها را به انجام آن‌ها مصمم می‌کند (مکارم، ۱۴۲۱، ج ۲: ۲۲۶).

د) ﴿فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجاً غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۲۳۰)

در آیه فوق نیز کاملاً مشخص است که معنای واژه ظن، «گمان» است؛ زیرا از یکسو این بخش را با لفظ «إِنْ» اظهار داشته و از سوی دیگر احتمال خلاف در آن وجود دارد؛ یعنی از آنجا که این مسأله به آینده مرتبط است، یا «قطعاً در آن حدود الهی رعایت می‌شود: ۱۰۰٪» یا «ولو با احتمال ۱٪ رعایت نمی‌شود»؛ لذا معنای «گمان»، مناسب واژه موردنظر است.

ه) ﴿وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ (توبه / ۱۱۸)

در این آیه نیز معنای «گمان»، موردنظر است؛ زیرا شرط رسیدن به یقین، طی کردن مراحل بوده که نیازمند زمان بسیاری است و یکی از آن‌ها طبق آیه ﴿وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ﴾، «عبادت» ذکر شده است؛ در حالی که آیه فوق اشاره دارد این سه نفر زمانی به ﴿لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ رسیدند که از یکسو ﴿إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ﴾ و از سوی دیگر ﴿وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ﴾ را دیدند؛ یعنی بی‌آنکه اصلاً عبادتی را انجام داده باشند.

و) ﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرَحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (یونس / ۲۲)

آنچه در ظاهر و با توجه به شرایط حاکم بر آیه برداشت می‌شود این است که مخاطبان آیه با دیدن احاطه شدید توسط موج طوفان، «یقین می‌کنند» که هلاک می‌شوند؛ در حالی که این معنا به واقع نزدیک نیست؛ زیرا عبارت ﴿أُحِيطَ بِهِمْ﴾، کنایه از مشرف‌شدن به هلاکت است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۰: ۳۶)، نه این که ۱۰۰٪ غرق خواهند شد. یعنی مخاطبان آیه با

دیدن این مهم، درصدی ولو اندک را برای احتمال نجات خود قائل می‌شوند؛ نه این‌که بگویند ۱۰۰٪ غرق می‌شویم؛ آن‌چه این مسأله را تأیید می‌کند، ادامه آیه است: ﴿لَئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنُكَوِّنَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ که درصدی را برای احتمال «نجات» اختصاص می‌دهد. از این‌رو عدم تجاوز از معنای اصلی واژه- یعنی «گمان»- ضروری است.

ز) ﴿وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا﴾ (کهف/ ۵۳)

ح) ﴿وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ * تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ * كُلًّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ * وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ * وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ﴾ (قیامت/ ۲۴-۲۸)

ط) ﴿وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ﴾ (فصلت/ ۴۸)

در این آیات نیز کاملاً مشخص است که هنوز مخاطب آیه، در آن رخداد عظیم واقع نشده است؛ لذا معنای «یقین»، معادلی مناسب برای آن نیست؛ زیرا همان‌طور که ذکر شد در «یقین» احتمال دیگری وجود ندارد؛ درحالی‌که در این‌جا احتمال نجات نیز وجود دارد. در روایتی از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند: «آخرین کسی که دستور می‌آید به‌سوی دوزخ برده شود ناگهان به اطراف خود نگاه می‌کند، خداوند دستور می‌دهد او را برگردانید. خطاب می‌کند چرا به اطراف خود نگاه کردی؟ عرض می‌کند: «يَا رَبِّ مَا كَانَ ظَنِّي بِكَ هَٰذَا: پروردگارا! من درباره تو این‌چنین گمان نمی‌کردم» می‌فرماید: «وَمَا كَانَ ظَنُّكَ بِي: چه گمان می‌کردی؟» عرض می‌کند: «يَا رَبِّ مَا كَانَ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَتُدْخِلَنِي جَنَّاتِكَ: پروردگارا! گمان می‌کردم گناهانم را ببخشی و مرا در بهشت خود جای دهی!» خداوند می‌فرماید: ای فرشتگان من! به عزت و جلال و نعمت‌ها و مقام والایم سوگند، این بنده‌ام هرگز گمان خیر درباره من نبرده است، اگر ساعتی گمان خیر برده بود من او را به جهنم نمی‌فرستادم. گرچه او دروغ می‌گوید ولی با این حال، اظهار حسن ظن او را بپذیرید و او را به بهشت برید. سپس امام صادق (ع) فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که نسبت به خداوند متعال گمان خیر ببرد مگر این‌که خدا نزد گمان وی خواهد بود و این همان است که می‌فرماید: ﴿ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ

أُرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿فصلت/ ۲۳﴾ (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۷۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵: ۲۳۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۲۸۷؛ قمی، ۱۴۱۴، ج ۵: ۳۹۰).

ی) ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَلَكَ نُعْجِزَهُ هَرَبًا﴾ (جن/ ۱۲)

در آیات ابتدایی سوره جن و از زبان برخی جنیان، پاره‌ای از باورهای آن‌ها در گذشته ذکر شده است. محتوای این آیات بدین سان است که برخی از جنیان پس از ذکر ایمان به خداوند ﴿ءَامَنَّا بِهِ وَ لَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾ (جن/ ۲)، بعضی «آراء و نظرات» خود را در قالب ۱۰ آیه بیان نموده و در نهایت با ابراز ﴿وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ﴾ (جن/ ۱۳) ایمان خود به خداوند را تأکید می‌کنند.

یکی از اعترافات جنیان درباره اندیشه‌های خود را می‌توان در آیه ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَلَكَ نُعْجِزَهُ هَرَبًا﴾ مشاهده کرد که «گمان کردند» هرگز نمی‌توانند بر اراده خداوند در زمین غالب شده و از پنجه قدرت او بگریزند؛ یعنی در حقیقت به نظر می‌رسد توقع آنان از خودشان، «أَنَا يَقْنَأَنَّ أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَلَكَ نُعْجِزَهُ هَرَبًا» بوده نه «گمان». لذا وقتی حقیقت مسأله، برای آنان مکشوف شد با بیان ﴿وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهَدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ﴾، فهم هدایت را تذکر دادند و به شنیدن صرف آیات قرآن ﴿إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا عَجَبًا﴾ (جن/ ۱) اکتفا نکردند؛ بنابراین مراد از «ظن» در آیه ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ﴾ نیز «گمان» است. آنچه این معنا را تأیید می‌کند کاربرد کاملاً مشابه واژه «ظن» در چند آیه قبل، از زبان همین جنیان است؛ آن‌جا که گفتند ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ الْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾. اما از آن‌جا که محتوای آیات ۱۲ و ۵ سوره جن از لحاظ شدت و حدت تصور درباره خداوند، متفاوت است، برخی «ظن» در آیه ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ﴾ را «علم یقینی» (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۴۵) و مراد از «ظن» در آیه ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَكَ نُعْجِزَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ الْجِنَّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ را «پندار» یا «شک» یا «گمان» ذکر کرده‌اند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹: ۶۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۴۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵: ۹۵؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۴۵). در حالی که توجه به عناصری همچون

«متکلم»، «مراد زمانی متکلم» و «بافت کلی آیات» در هر دو آیه، نشان‌دهنده این است که معنای «ظن» در آن دو نیز «گمان» است.

ک) ﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجْتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ قَلِيلٌ مَّا هُمْ وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ﴾ (ص / ۲۴)

برخی معنای واژه «ظن» در این آیه را در مفهوم «علم: دانست» ترجیح داده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۶: ۳۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۷۳۵). در تحلیل این معنا، برخی نزدیکی مفهوم «ظن: گمان کرد» به «علم: دانست» را دلیلی بر استعاری بودن آن برای «علم» دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۸۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۲: ۱۷۵) و برخی نیز مطلق ذکر شدن استغفار و توبه حضرت داود (ع) را دلیل آن ذکر کرده‌اند؛ یعنی زمانی معنای «گمان» برای «ظن» در آیه فوق مناسب است که استغفار و توبه مقید به اتفاق افتادن حقیقی آن حادثه باشد در حالی که بر طبق ادله، حکم حضرت داود (ع) در حقیقت حکمی در عالم تمثیل [مانند عالم خواب] بوده - که در صورت ارائه حکمی خلاف - گناه نیز شمرده نمی‌شود، لذا استغفار و توبه در آن عالم نیز نظیر خطای در آن عالم و در شأن آن است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۱۹۴-۱۹۳)، هرچند در این بین، برخی معنای «گمان» را نفی نکرده‌اند (طوسی، بی تا: ج ۸: ۵۵۴-۵۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۷۳۵؛ طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۷: ۹۳).

با وجود این باید توجه داشت این تحلیل‌ها هیچ‌گونه منافاتی با معنای «گمان» ندارد؛ زیرا تفاوت «علم» با «ظن (گمان)» در این است که علم حاکی از «علم تفصیلی» است و «ظن» بیان‌کننده «علم اجمالی» است؛ یعنی گمانی نزدیک به علم و یقین. از این‌رو آن حضرت با گمانی نزدیک به یقین و به‌طور اجمالی واقف شد که آن مسأله، آزمایشی برای او بوده است.

نکته‌ای که از این آیات و دیگر آیات می‌توان برداشت کرد این است که فعل «ظن»

هرگاه بر مبتدا و خبر وارد شود، معنای ظنّ در آنجا به «گمان نزدیک به علم» اشاره دارد؛ مانند: آیات فوق. اما هرگاه «ظنّ» با این قاعده ذکر نشود، تک مفعولی بوده و به نوعی به «گمان نزدیک به شک» اشاره دارد؛ مانند: ﴿وَمِنْهُمْ أَتُيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (بقره/ ۷۸)

در پایان، یادآوری می‌شود، در تحلیل برخی از آیات که دارای چالش نسبتاً دشواری با معنای «گمان» است، باید به عناصری نظیر «بافت آیه»، «زمان و مکان موردنظر متکلم»، «قرائن موجود»، «توجه به قطعیت یا عدم قطعیت رخداد»، و... عنایت داشت.

۵- برگردان مشتقات ماده «ظنّ» در ترجمه‌های فارسی قرآن

مطالعه ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن، حاکی از این است که مترجمان در معنای این واژه عمدتاً به سه شکل عمل کرده‌اند:

الف) مترجمانی که در معادل‌یابی این واژه دارای پراکندگی نسبتاً کمی هستند؛ مانند «ترجمه معزی» که با ذکر سه معادل «پنداشتن» ۴۵ بار، «گمان کردن» ۲۲ بار و «دانستن» ۲ بار، دارای کم‌ترین میزان پراکندگی است. «ترجمه آیتی و رضایی» هرکدام با چهار معادل در رتبه بعدی قرار دارند؛ آیتی، ۳۱ بار معنای «پندار یا پنداشتن»، ۲۳ بار معنای «گمان کردن»، ۱۲ بار معنای «دانستن» و ۳ بار معنای «یقین کردن» را برگزیده است و در «ترجمه رضایی» نیز چهار معنای «گمان کردن» ۴۶ بار، «دانستن» ۱۱ بار، «یقین کردن» ۱۱ بار و «پندار» ۱ بار، ذکر شده است.

ب) اما برخی دیگر از ترجمه‌ها در معادل‌یابی این واژه-برخلاف دسته نخست- پراکندگی نسبتاً زیادی دارند؛ از جمله مشکینی که در برگردان این واژه، ۴۷ بار معادل «گمان کردن»، ۹ بار معنای «پنداشتن»، ۸ بار معنای «دانستن»، ۳ بار معنای «یقین کردن» و ترجمه‌های «باور داشتن» و «امیدوار شدن» هرکدام ۱ بار را در نظر گرفته است. همچنین ترجمه صفوی برای برگرداندن این واژه به زبان فارسی، ۳۵ بار معنای «گمان کردن»، ۲۲ بار

معنای «پنداشتن»، ۷ بار معنای «دریافتن»، ۳ بار معنای «باور کردن» و ۱ بار معنای «وهم و خیال» و ۱ بار نیز معنای «دانستن» را برگزیده است.

اما در ترجمه مکارم، گستردگی بیش‌تر نسبت به دو ترجمه یاد شده مشاهده می‌شود؛ زیرا ۴۴ بار «گمان کردن»، ۸ بار «دانستن»، ۷ بار «پنداشتن»، ۴ بار «یقین کردن» و معنای «باور کردن»، «حدس زدن»، «مطمئن شدن»، «اندیشیدن»، «تصور کردن» و «امید داشتن» هرکدام ۱ بار در این ترجمه آمده است.

ج) برخی دیگر از مترجمان، با پنج معادل، مابین دو دسته فوق قرار دارند؛ مانند ترجمه فولادوند که ۳۹ بار معنای «گمان کردن»، ۱۷ بار «پنداشتن»، ۹ بار «دانستن»، ۳ بار «یقین کردن» و ۱ بار «دریافتن» را برای این واژه ملحوظ داشته است. ترجمه مجتبوی نیز پنج معنای «پنداشتن» ۲۸ بار، «گمان کردن» ۲۷ بار، «دانستن» ۱۱ بار، «گمان و پندار» ۲ بار و «باور کردن» ۱ بار را به‌کار گرفته است. در ترجمه مصباح‌زاده نیز ۵۵ بار «گمان کردن»، ۷ بار «دانستن»، ۵ بار «پنداشتن» و معنای «یقین کردن» و «ظن» هرکدام ۱ بار، استفاده شده است.

براین‌اساس، رویکرد مترجمان در برگرداندن این واژه به زبان فارسی، چهارده معنای زیر است:

۵-۱) «وهم و خیال»

➤ صفوی: ﴿إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ﴾ (نجم / ۲۸)؛ یعنی: «تنها از وهم و خیال خود پیروی می‌کنند.»

۵-۲) «تخمین / حدس زدن»

➤ مکارم: ﴿وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه / ۲۴)؛ یعنی: «آنان به این سخن که می‌گویند علمی ندارند، بلکه تنها حدس می‌زنند (و گمانی بی‌پایه دارند)!»

۳-۵ «پندار»

➤ آیتی: ﴿إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ يَحُورَ﴾ (انشقاق / ۱۴)؛ یعنی: «و می پنداشته است که هرگز باز نخواهد گشت.»

➤ رضایی: ﴿و تَطْتُونُ إِنْ لَيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء / ۵۲)؛ یعنی: «و می پندارید که جز اندکی (در دنیا و برزخ) درنگ نکرده‌اید.»

➤ صفوی: ﴿و ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ﴾ (حشر / ۲)؛ یعنی: «و خود نیز می پنداشتند که درهایشان مانع تسلط خدا بر آنان خواهد بود.»

➤ فولادوند: ﴿وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا﴾ (جن / ۷)؛ یعنی: «و آن‌ها [نیز] آن گونه که [شما] پنداشته‌اید.»

➤ مجتبوی: ﴿إِنْ تَنْظُرْ إِلَّا ظَنًّا﴾ (جاثیه / ۳۲)؛ یعنی: «ما جز پنداری گمان نبریم»

➤ مشکینی: ﴿إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا﴾ (اسراء / ۱۰۱)؛ یعنی: «من تو را ای موسی بی تردید جادو شده می پندارم.»

➤ مصباح زاده: ﴿وَأَيُّ لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ﴾ (قصص / ۳۸)؛ یعنی: «و به درستی که من می پندارم از دروغ گویان.»

➤ معزی: ﴿و ظَنُّوا أَنَّهُمْ إِنَّمَا لَآ يُوجَعُونَ﴾ (قصص / ۳۹)؛ یعنی: «و همانا می پندارم من از دروغ گویان.»

➤ مکارم: ﴿وَذَا الثُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾ (انبیاء / ۸۷)؛ یعنی: «و چنین می پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت»

۴-۵ «تصور کردن»

➤ مکارم: ﴿بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ﴾ (هود / ۲۷)؛ یعنی: «بلکه شما را دروغ گو تصور می کنیم!»

۵-۵ «گمان و پندار»

➤ **مجتبوی:** ﴿إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ (جاثیه / ۲۴)؛ یعنی: «آنان جز در گمان و پندار نیستند.»

۵-۶ «ظن»

➤ **مصباح زاده:** ﴿لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا﴾ (نور / ۱۲)؛ یعنی: «چرا هنگامی که شنیدید آن را ظن نبردند مؤمنین و مؤمنات به خودشان خیر را.»

۵-۷ «گمان کردن»

➤ **آیتی:** ﴿مَا نَذِرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا﴾ (جاثیه / ۳۲)؛ یعنی: «ما نمی دانیم قیامت چیست؟ جز گمانی نمی بریم.»

➤ **رضایی:** ﴿إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۳۰)؛ یعنی: «اگر آن دو گمان می کنند مرزهای خدا را بر پا می دارند.»

➤ **صفوی:** ﴿مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا﴾ (حشر / ۲)؛ یعنی: «شما مؤمنان گمان نمی کردید که آنان با این نیرو و قدرتی که دارند از دیارشان بیرون روند.»

➤ **فولادوند:** ﴿كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا﴾ (جن / ۷)؛ یعنی: «گمان بردند که خدا هرگز کسی را زنده نخواهد گردانید.»

➤ **مجتبوی:** ﴿إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا﴾ (جاثیه / ۳۲)؛ یعنی: «ما جز پنداری گمان نبریم»

➤ **مشکینی:** ﴿يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ﴾ (آل عمران / ۱۵۴)؛ یعنی: «درباره خدا گمان ناحق، گمان دوران جاهلیت می بردند.»

➤ **مصباح زاده:** ﴿وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ﴾ (ص / ۲۴)؛ یعنی: «و گمان برد داود که ما آزمودیم او را.»

➤ **معزی:** ﴿وَ إِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا﴾ (غافر / ۳۷)؛ یعنی: «و هرآینه گمان دارم مش دروغ گوی.»

➤ مکارم: ﴿مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ﴾ (نساء / ۱۵۷)؛ یعنی: «و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی می کنند.»

۵-۸) «امیدوار شدن»

➤ مشکینی: ﴿إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۳۰)؛ یعنی: «در صورتی که امیدوار باشند که حدود الهی را برپا می دارند.»

➤ مکارم: ﴿إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۳۰)؛ یعنی: «در صورتی که امید داشته باشند که حدود الهی را محترم می شمردند»

۵-۹) «اندیشیدن»

➤ مکارم: ﴿وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (یونس / ۶۰)؛ یعنی: «آن ها که بر خدا افترا می بندند، درباره (مجازات) روز رستاخیز، چه می اندیشند؟!»

۵-۱۰) «دانستن»

➤ آیتی: ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ (بقره / ۴۶)؛ یعنی: «آنان که بی گمان می دانند که با پروردگار خود دیدار خواهند کرد.»

➤ رضایی: ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۴۹)؛ یعنی: «کسانی که می دانستند که آنان خدا را ملاقات می کنند.»

➤ صفوی: ﴿تَظُنُّ أَنْ يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ﴾ (قیامت / ۲۵)؛ یعنی: «می دانند که عذابی کمرشکن بر آن ها تحمیل خواهد شد.»

➤ فولادوند: ﴿الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ﴾ (بقره / ۴۶)؛ یعنی: «همان کسانی که می دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد.»

➤ مجتبوی: ﴿فَطَنُوا أَنََّّهُمْ مُوَاقِعُوهَا﴾ (کهف / ۵۳)؛ یعنی: «و بی گمان بدانند که در آن خواهند افتاد.»

➤ مشکینی: ﴿وَوَظَنُوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ﴾ (توبه / ۱۱۸)؛ یعنی: «و دانستند که

- هیچ پناهگاهی (در فرار) از خدا جز به‌سوی او نیست.
- مصباح‌زاده: ﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا﴾ (یوسف / ۴۲)؛ یعنی: «و گفت یوسف آن‌ها که می‌دانست او رستگار می‌شود از آن دو.»
- معزی: ﴿وَأَنَا ظَنَنَّا أَنَّ لَنْ كُنْعِزَ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ﴾ (جن / ۱۲)؛ یعنی: «و آنکه ما دانستیم که هرگز به عجز نیاریم خدا را در زمین.»
- مکارم: ﴿وَأَنَا لَنَنْظُرَنَّكَ مِنَ الْكَذِبِينَ﴾ (اعراف / ۶۶)؛ یعنی: «و ما مسلماً تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم!»

۵-۱۱ «در یافتن»

- صفوی: ﴿وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا﴾ (یوسف / ۴۲)؛ یعنی: «یوسف به آن‌کس از آن دو تن که دریافت نجات می‌یابد، گفت.»
- فولادوند: ﴿فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا﴾ (کهف / ۵۳)؛ یعنی: «و درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد.»

۵-۱۲ «باور کردن»

- صفوی: ﴿إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَّةٍ﴾ (حاقه / ۲۲)؛ یعنی: «من در دنیا باور داشتم که با حساب اعمال خود روبه‌رو می‌شوم (ازاین‌رو ایمان آوردم و کار شایسته انجام دادم).»
- مجتبوی: ﴿وَوَظُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ﴾ (فصلت / ۴۸)؛ یعنی: «و باور کنند که آنان را هیچ گریزگاهی نیست.»
- مشکینی: ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ﴾ (بقره / ۲۴۹)؛ یعنی: «(اما) کسانی که باور داشتند که دیدارکننده خدایند.»
- مکارم: ﴿وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً﴾ (کهف / ۳۶)؛ یعنی: «و باور نمی‌کنم قیامت برپا گردد!»

۵-۱۳ «مطمئن شدن»

➤ مکارم: ﴿وَلَنْ أَهْلَهَا أَنْتُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا﴾ (یونس / ۲۴)؛ یعنی: «و اهل آن مطمئن می شوند که می توانند از آن بهره مند گردند.»

۵-۱۴ «یقین کردن»

➤ آیتی: ﴿وَلَنْ أَهْلَ الْفِرَاقِ﴾ (قیامه / ۲۸)؛ یعنی: «و یقین کند که زمان جدایی فرا رسیده.»

➤ رضایی: ﴿وَلَنْ أَهْلَ الْفِرَاقِ﴾ (اعراف / ۱۷۱)؛ یعنی: «و یقین کردند که آن (کوه) بر آنان فرو خواهد افتاد.»

➤ فولادوند: ﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّكُمْ مُلَاؤُوا لِلَّهِ﴾ (بقره / ۲۴۹)؛ یعنی: «کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند.»

➤ مشکینی: ﴿وَلَنْ أَهْلَ الْفِرَاقِ﴾ (یونس / ۲۲)؛ یعنی: «و یقین کنند که در محاصره (موج و بلا) قرار گرفته اند.»

➤ مصباح زاده: ﴿وَلَنْ أَهْلَ الْفِرَاقِ﴾ (توبه / ۱۱۸)؛ یعنی: «و یقین کردند که نیست پناهی از خدا مگر به سوی او.»

➤ مکارم: ﴿فَلَنْ أَهْلَ الْفِرَاقِ﴾ (کهف / ۵۳)؛ یعنی: «و یقین می کنند که با آن درمی آمیزند.»

۶- بررسی و ارزیابی ترجمه ها

براساس آنچه تاکنون ذکر شد، در بررسی و ارزیابی ترجمه های فارسی معاصر، نکات زیر مورد نظر است:

با دقت در ۱۴ معادل مذکور، به نظر می رسد، مترجمان با توجه به عنصر سیاق، این معانی را برای واژه «ظن» لحاظ کرده اند؛ زیرا جدای از تحلیل های فوق، این واژه در لغت عرب [با توجه به آنچه در این مقاله تحقیق شده] با چنین معانی ای به کار نرفته است؛ از این رو به نظر می رسد این پراکندگی معنا برای یک واژه صحیح نیست. توجه

به این نکته ضروری است که امکان جمع، بین معانی فوق نیز وجود دارد؛ زیرا باوجود تفاوت معنایی ظریف، در حقیقت تقریباً برگشت همه آنها به سه معنا است:

۱- پندار («وهم و خیال»، «حدس زدن»، «پندار یا پنداشتن» و «تصور کردن»)

۲- گمان («ظن»، «گمان کردن»، «امیدوار شدن» و «اندیشیدن»)

۳- یقین («دانستن»، «دریافتن»، «باور کردن»، «مطمئن شدن» و «یقین کردن»)

از این بین دو معنای «پندار» و «یقین» نیز صحیح نیست؛ زیرا جدای از تحلیل ذکر شده، این معانی براساس ناسازگاری ظاهر آیه با عبارت تحت‌اللفظی (گمان) گزینش شده‌اند؛ درحالی‌که این دو معنا در آن دسته از آیات که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، ظاهراً به ترتیب اشاره به «ظن (معتبر)» و «ظن (نامعتبر)» دارند؛ ازاین‌رو تقریباً اصل مشترک «اندیشیدن»، «دانستن»، «دریافتن»، «باور کردن»، «مطمئن شدن» و «یقین کردن» در واقع همان «گمان (معتبر)» است؛ زیرا از عقلی منشعب شده که حکم آن در منطق عقل و نقل، حکمی است که یا «بین» و بدیهی است، یا قریب به بدیهی و یا اگر نظری و پیچیده است، از راه صحیح، به بدیهی ختم شود که به آن «مبین» گفته می‌شود. دلیل اعتبار این مسئله نیز کاملاً مشخص است؛ زیرا فتوای عقل، زمانی صحیح است که حجیت شرعی «بین» یا «مبین» داشته باشد و لذا از «عقل مشوب» به وهم و خیال خالی باشد (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹: ۲۴۰). همچنین بازگشت معنای «وهم و خیال»، «پندار یا پنداشتن»، «تصور کردن» و «گمان و پندار» نیز به همان «گمان غیر معتبر» است؛ زیرا از عقل مشوبی ناشی شده که با وهم و خیال مخلوط است، لذا فاقد دلیل و برهان بوده و نمی‌تواند راهنمای انسان باشد (همان).

با توجه به آنچه ذکر شد، بهترین روش ترجمه در ۶۹ کاربرد واژه «ظن»، «ترجمه تحت‌اللفظی» است؛ لذا ذکر چهارده معنا برای این ماده، بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا هرچند مترجمان درصدد بودند تا چالش عدم ناسازگاری معنای تحت‌اللفظی با سیاق آیه را برطرف کنند؛ اما باید عنایت داشت که اولاً هیچ‌گونه شاهد لغوی برای ذکر این

معانی گسترده در کتب لغت مشاهده نمی‌شود؛ ثانیاً همان‌طور که مشخص است خود مترجمان نیز در این موارد یکسان عمل نکرده‌اند؛ بلکه بیش‌تر به‌نظر می‌آید سلیقه‌ای عمل کرده‌اند؛ ازجمله، معنای «مطمئن شدن» که تنها در ترجمه مکارم مشاهده می‌شود؛ ثالثاً استفاده از معنای «گمان» -که معادل حقیقی آن است- در صورت توجه کامل و دقیق به سیاق آیه، هیچ‌گونه خللی به بافت آیه وارد نکرده و نکات لطیفی را در آن آیات منعکس می‌کند.

تذکر این نکته نیز ضروری است که ممکن است مراد برخی از مترجمان از معادل‌های یاد شده، همان بخش فیما بین «شک» و «یقین» باشد، در این صورت هرچند آن معادل نیز صحیح خواهد بود، اما طبیعتاً در نزد خواننده مبهم است. برای نمونه یکی از معانی «پندار»، «گمان» است؛ از این‌رو اگر مراد مترجم نیز همین معنا باشد، معادلی صحیح است اما از آن‌جاکه معنای اصلی «پندار»، مفهومی پایین‌تر از «شک» است، معادلی مناسب نخواهد بود. در هر حال، آیتی در ۲۳ مورد، رضایی در ۴۶ مورد، صفوی در ۳۵ مورد، فولادوند در ۳۹ مورد، مجتبی‌وی در ۲۷ مورد، مشکینی در ۴۷ مورد، معزّی در ۲۲ مورد، مصباح‌زاده در ۵۵ مورد و مکارم در ۴۴ مورد، موافق با معادل پیشنهادی جستار حاضر- یعنی گمان- عمل کرده‌اند.

۷- نتیجه‌گیری

بررسی «گوهر معنایی»، «معنای لفظی (معنای لغوی، وجوه و نظائر، فروق اللغه، اضداد و اژگان مباحث لغوی مفسران و فرهنگ‌های فارسی)» و «اصل کاربردی (بافت آیات، ساختار زبان‌شناسی و مباحث تفسیری مفسران)» این واژه حاکی از این است که:

۱- لغویان و مفسران عمدتاً با تکیه بر معنای لغوی در کنار توجه به سیاق آیه، معانی «پندار»، «شک»، «گمان» و «یقین» را ابراز داشته‌اند؛ اما با نظر به کاربردهای واژه «ظن» و تحلیل کتب لغت، معنای لغوی این واژه، «گمان» -که مرتبه‌ای مابین «شک» و

«یقین» است - می باشد.

۲- معنای «گمان» برای واژه «ظن» در تعدادی از آیات قرآن با ظاهر آیه سازگار نیست و در واقع این واژه در آن بافت‌ها بیش‌تر با مفهوم «پندار» یا «یقین» سازگار است که البته این چالش را می‌توان با تحلیل «بافت آیه» و دیگر قرائن مربوط به آن، مانند «زمان و مکان موردنظر متکلم»، «توجه به قطعیت یا عدم قطعیت رخداد»، و... برطرف کرد.

۳- معنای واژه «ظن» در ۶۹ استعمال قرآنی، همین «گمان» است که مترجمان با ذکر چهارده معادل «وهم و خیال»، «حدس زدن»، «پندار یا پنداشتن»، «گمان و پندار»، «تصور کردن»، «ظن»، «گمان کردن»، «امیدوار شدن»، «اندیشیدن»، «دانستن»، «دریافتن»، «باور کردن»، «مطمئن شدن» و «یقین کردن» دچار پراکندگی ترجمه و گاهی اشتباه شده‌اند. از این بین معزّی با سه معادل «پنداشتن»، «گمان کردن» و «دانستن» دارای کم‌ترین میزان پراکندگی و مکارم با ده معنای «گمان کردن»، «دانستن»، «پنداشتن»، «یقین کردن»، «باور کردن»، «حدس زدن»، «مطمئن شدن»، «اندیشیدن»، «تصور کردن» و «امید داشتن» دارای بیش‌ترین میزان پراکندگی در معادل‌یابی این واژه هستند؛ لذا مترجمان در یکسان‌سازی معادل این واژه نیز موفق عمل نکرده‌اند.

۸- منابع

* قرآن کریم.

- ۱- آیتی، عبدالمحمّد، ترجمه قرآن، تهران: انتشارات سروش، (۱۳۷۴ش).
- ۲- آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، محقق: عبدالباری، بیروت: دارالکتب العلمیّة، (۱۴۱۵ق).
- ۳- ابن بابویه، محمد، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف‌الرضی للنشر، (۱۴۰۶ق).
- ۴- ابن‌سلیمان بلخی، مقاتل، الوجوه و النظائر فی القرآن العظیم، محقق: حاتم صالح الضّامن، دبی: مرکز جمعه الماجد للثقافه و التراث، (۲۰۰۶م).

واکاوی و ارزیابی ترجمه مفردات قرآن (مطالعه موردی: ماده «ظن») _____ کاووس روحی و همکاران

- ۵- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *نزهة الأعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر*، محقق: محمد عبدالکریم کاظم الرازی، بیروت: مؤسسه الرساله، (۱۴۰۷ق).
- ۶- ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، محقق: محمد عبدالسلام هارون، قم: مکتب الأعلام الإسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).
- ۸- اتابکی، پرویز، *فرهنگ جامع کاربردی فرزانه*، تهران: نشر فرزانه روز، (۱۳۸۰ش).
- ۹- انباری، عبدالرحمن، *الإنصاف فی مسائل الخلاف بین النحویین البصریین و الکوفیین*. تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، دمشق: دار الفکر، (بی تا).
- ۱۰- امانی، رضا، *خدیجه فریادرس*، «ارزیابی کاربریست احادیث نبوی در تبیین مفردات قرآن در تفسیر کشف و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم». مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۷، ص ۱۵۳-۱۷۹، (۱۳۹۶ش).
- ۱۱- بطرس، أنطونیوس، *المعجم المفصل فی الأضداد*، بیروت: دار الکتب العلمیه، (۱۴۲۴ق).
- ۱۲- جرجانی، علی بن محمد، *کتاب التعریفات*. محقق: محمد صدیق المنشاوی، القاهرة: دار الفضیلة، (بی تا).
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*. محقق: احمد قدسی، قم: انتشارات اسراء، (۱۳۸۹ش الف).
- ۱۴- _____، *تسنیم*. محقق: سعید بندعلی، قم: انتشارات اسراء، (۱۳۸۷ش).
- ۱۵- _____، *زن در آینه جلال و جمال الهی*. محقق: محمود لطیفی، قم: انتشارات اسراء، (۱۳۸۸ش).
- ۱۶- _____، *ولایت فقیه (ولایت فقاها و عدالت)*، محقق: محمد مهربانی، قم: انتشارات اسراء، (۱۳۸۹ش ب).
- ۱۷- حر عاملی، محمد، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، (۱۴۰۹ق).
- ۱۸- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس*، محقق: علی شیر، بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۴ق).
- ۱۹- حلبی اللغوی، أبوطیب عبدالواحد بن علی، *الأضداد فی کلام العرب*، محقق: عزّة حسن، بی مک: مجمع دمشق، (۱۹۶۳م).

- ۲۰- دامغانی، حسین بن محمد، قاموس القرآن أو اصلاح الوجوه و النظائر فی القرآن، محقق: عبدالعزيز سیّد الأهل، بیروت: دار العلم للملایین، (۱۹۸۰م).
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا/ براساس حروف الفبا، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه- ای قائمیه اصفهان، (بی تا).
- ۲۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، (۱۴۱۲ق).
- ۲۳- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، ترجمه قرآن، قم: مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۲۴- روحی برندق، کاووس، علی حاجی خانی، محسن فریادرس، «ارزیابی ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم؛ مشتمل بر ماده حشر». مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی، شماره ۱۲، ص ۱۴۴-۱۱۹، (۱۳۹۴ش).
- ۲۵- زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۲۶- سجستانی، أبوحاتم، الأضداد، محقق: محمد عبدالقادر أحمد، القاهرة: مكتبة النهضة المصریة، (۱۴۱۱ق).
- ۲۷- سلوا، محمدالعوا، وجوه و نظائر در قرآن کریم، مترجم: سید حسین سیدی، مشهد: به- نشر، (۱۳۸۲ش).
- ۲۸- صفوی، محمد رضا، ترجمه قرآن، قم: آبنوس، (۱۳۸۸ش).
- ۲۹- طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیّه قم، (۱۳۹۰ش).
- ۳۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۳۱- طبری، ابوجعفر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، (۱۴۱۲ق).
- ۳۲- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، محقق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، (۱۳۷۵ش).
- ۳۳- طوسی، محمد، التبیان فی تفسیر القرآن، محقق: احمد قصیر عاملی، بیروت: دار إحياء

التراث العربی، (بی تا).

۳۴- طیب حسینی، محمود، «معناشناسی واژه «ظن» در قرآن کریم»، مجله کتاب قیم، دوره اول، شماره اول، صص ۶۴-۴۱، (۱۳۹۰ش).

۳۵- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد فی الفقه و الاصول و العربیة، محقق: عبدالهادی سید محسن حکیم، قم: مکتبة المفید، (بی تا).

۳۶- عسکری، ابو هلال، الوجوه و النظائر. القاهرة: مکتبة الثقافة الدینیة، (۲۰۰۷ م).

۳۷- معجم الفروق اللغویة، محقق: سید نورالدین الجزایری، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، (۱۴۱۲ق).

۳۸- عسکری، حسن بن عبدالله، الفروق فی اللغة، بیروت: دار الفاق الجديدة، (۱۴۰۰ق).

۳۹- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، ویراستار: عزیزالله علیزاده، تهران: انتشارات امیر کبیر، (۱۳۸۹ش).

۴۰- عود، هارون بن موسی، الوجوه و النظائر فی القرآن الکریم، بغداد: دایرة الآثار و التراث، (۱۴۰۹ق).

۴۱- فخررازی، محمد بن عمرو، المحصل، بیروت: مؤسسة الدراسات، (۱۴۱۲ق).

۴۲- فخررازی، ابو عبدالله. مفاتیح الغیب، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۲۰ق).

۴۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین. قم: نشر هجرت، (۱۴۰۹ق).

۴۴- فضل الله، محمد حسین، تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الطباعة والنشر، (۱۴۱۹ق).

۴۵- فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، محقق: هیئت علمی دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). تهران: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (۱۴۱۵ق).

۴۶- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی تا).

۴۷- فیروزآبادی، مجد الدین، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، محقق: محمد علی نجار، قاهره: بی نا، (۱۴۱۶ق).

۴۸- فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر. قم: مؤسسه دارالهجرة، (۱۴۱۴ق).

۴۹- قرطبی، محمد، الجامع الأحکام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو، (۱۳۶۴ش).

- ۵۰- قمی، عباس، سفینه البحار، قم: اسوه، (۱۴۱۴ق).
- ۵۱- مجتبوی، جلال‌الدین، ترجمه قرآن، محقق و ویراستار: حسین استادولی، تهران: انتشارات حکمت، (۱۳۷۱ش).
- ۵۲- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۰۳ق).
- ۵۳- مشکور، محمدجواد، فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، (۱۳۵۷ش).
- ۵۴- مشکینی، علی، ترجمه قرآن، قم: الهادی، (۱۳۸۱ش).
- ۵۵- مصباح‌زاده، عباس، ترجمه قرآن، تهران: سازمان انتشارات بدرقه جاویدان، (۱۳۸۰ش).
- ۵۶- معزی، محمدکاظم، ترجمه قرآن، قم: انتشارات اسوه، (۱۳۷۲ش).
- ۵۷- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ق).
- ۵۸- مکارم شیرازی، ناصر، الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل، مترجم: محمد علی آذرشب، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، (۱۴۲۱ق).
- ۵۹- _____، ترجمه قرآن، قم: دار القرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، (۱۳۷۳ش).

* نرم‌افزارها

- ۶۰- جامع التفاسیر؛
- ۶۱- جامع الأحادیث؛
- ۶۲- اسراء.